

به ملاحظه پیام نوروزی اعلیحضرت

امیرفیض- حقوقدان

پیام نوروزی اعلیحضرت بمناسبت آغاز سال (۲۵۵۳) ۱۳۹۳ حاوی دובخش است:

بخش نخست پیام، انشاء شاعرانه است که بازبائی خاصی پیام را آذین بخشیده است، ولی باهمه برزندگی، جای مناسبی درپیام اعلیحضرت نداشته است. غلو، درانشاء ویا شعرویا تعریف، با آنکه از مرز صداقت واصلت میگذرد ولی جای اعتراض را نمیگشاید، چون انشاء و شعراست و این هردو برسم معمول، به معنا و ماهیت کمترتوجه دارند تا ظاهرکه دلنشین ساختن کلام و با بزرگ نمائی ها ویا تحقیر که عصاره مورد نظر است.

غلو اسباب گیرائی شعروانشاء است شعرای ایران ازاین اسباب معمول، بسیاراستفاده کرده اند شاید حکیم ابوالقاسم فردوسی سرآمد شاعران دربرکارگیری غلو باشد.

غلو حقیقت را مستورمیسازد و بهمین دلیل وقتی درپیام ویا اعلام یک موضوع ویا فرمان ویا یک متن تحقیقی وارد شود کل پیام را علیل وازدائره اصالت به مجاز و غلو مبدل میکند.

تفاوتی ندارد چه غلو مثبت ویا منفی باشد، اگر قصد ازپیام دلشادی موقت شنونده باشد مصداق همان دروغ مصلحت آمیزبه از راست فتنه انگیزاست ولی یقین براین است که نظر و قصد اعلیحضرت ازپیام نوروزی دلشادی مجازی و موقتی نبوده است.

پیام متضمن آینده است و اگر ازسوی شخصیتی والا مقام و بزرگ آورده شود نوعی فرمان برای آینده و رهنمود کاراست و نباید همراه بحثهای تاریخی و فلسفی و امثال آنها باشد که اینها پیام را ازمدارپیام خارج میسازد و گیرنده پیام را بدنبال بحثهای تاریخی و فلسفی میبرد.

سرگچی درپیام

یکی از مراتب قابل توجه پیام این است که اگرپیام دهنده درموقعیتی است که پیام های مکرر میدهد باید تعادل و توازن درپیامها موجه باشد.

درپیام نوروزی اعلیحضرت درمقام مقایسه با پیامهای نوروزی سالهای قبل توازن و تعادل لازم بکل مفقود است، دراولین پیام نوروزی اعلیحضرت عباراتی بکاررفته که کاملا معلوم است پیام دهنده کیست و درچه مقامی پیام میدهند و موضوع پیام چیست.

«من امروز برای نخستین بار در زندگی خودم در مقام پادشاه ایران این عید بزرگ باستانی را از صمیم قلب بشما شاد باش میگویم من نیز مانند شما احساس میکنم که امسال نوروزی به معنای واقعی برای هیچیک از ما وجود ندارد ولی.....»

(از اولین پیام نوروزی اعلیحضرت)

به قسمتی از یکی از پیامهای نوروزی اعلیحضرت که نشانه ای از افول و عدم تعادل و انحراف دریام نوروزی امسال ایشان است اشاره میشود

از همه نیروها و گروههای میهن پرست و ملی، از احزاب و سازمان های سیاسی و از همه نیروهای مسلح، از عشایر دلیر که همواره آزمایش وطن پرستی خود را داده اند، از روحانیت اصیل، روشنفکران، دانشگاهیان، اقلیتهای مذهبی، نیروهای اقتصادی، جامعه اداری، کارگران، روستائیان و بطور کلی از همه استعدادها و نیروهای فردی و اجتماعی که به استقلال و آزادی و شرافت کشور خود پایبند هستند دعوت میکنم که این مقاومت ملی را باز هم متشکل تر، قاطع تر، نیرومند تر و هم آهنگ تر کنند. زیرا هر قدر این هماهنگی بیشتر باشد پیروزی نزدیکتر خواهد بود، تکرار میکنم بدنبال این مقاومت همه جانبه ملی است که مرحله رستاخیزرئانی بخش فرا خواهد رسید تا بطور قطع به این دوران سیاه تاریخ ایران پایان دهد و کشور ما را از عصر جاهلیت به مسیر صحیح تمدن و ترقی بازگرداند. به امید آیندهای روشن. در این نوروز باستانی اعلام میدارم که همه ما برای انجام وظیفه ای که در این راه بر عهده داریم آماده شده ایم و اطمینان میدهم که با همت فرزندان شایسته ایران این مژده امید بخش حافظ تحقق خواهد یافت.

بگذرا از این روزگار لختراز زهر باردگر روزگار چون شکر

عدم تعادل و توازن در پیام نوروزی امسال اعلیحضرت با پیامی که آورده شد در این است که در پیام نوروزی اعلیحضرت، مسیر مقاومت مردم در مقابل رژیم تبهکار، به فصل روشن کردن شمع آنهم پس از ۳۵ سال منتهی شده است.

هنگامیکه اولین پیام نوروزی اعلیحضرت منتشر شد، سنگر آن پیام را بنام اولین فرمان پادشاهمان تلقی و از همه گیرندگان سنگرخواست که متن پیام را برای ایرانیان داخل کشور بفرستند (سنگر ۶۷).

فکر میکنید اگر اکنون ایرانیان خارج از کشور پیام نوروزی سال جدید را برای ایرانیان داخل کشور که ماموریت روشن کردن شمع به آنها داده شده است پس از ۳۵ سال انتظار و وعده «ایرانیان داخل فریب نخورند و کاری نکنند تا من بگویم چه بکنند» چه واکنشی خواهد داشت.

قرینه برای ارزیابی

در رابطه با گروگان گیری ۵ نفر از مامورین جمهوری اسلامی توسط جیش العدل اگر خامنه ای از ایرانیان میخواست و یا بخواهد که برای نجات آنها شمع روشن کنند همانقدر قابل استیضاح و خنده بود که توصیه روشن کردن شمع در پیام اعلیحضرت سرکوفت آوراست.^۱

۱ - پیام نوروزی اعلیحضرت به آخر نوشته افزوده شد و واژه های شمع روشن کردن همه مشخص شده است. ح-ک

انسان معمولاً آنچه خود میکند تصور میکند بهترین است، ولی درقیاس با کارمشابه است که میتواند از کار نادرست خود ارزیابی صحیح داشته باشد.

بخش دوم پیام

درپیام های نوروزی سابق اعلیحضرت مبارزه برای نجات ایران وبازگشت به هویت ایران مواج است ولی پیام اخیرحالت مرثیه برای نجات ایران رادارد وتوصیه های روشن کردن شمع، حالت نذروتوسل را زنده مینماید وچنین رسمی، رسم وآنین ایرانی نیست بلکه آئین یهود است که معلوم نیست چگونه مورد استقبال اهل شیعه قرارگرفته که با روشن کردن شمع درامامزادها امید به رسیدن به آرزوهایشان را دارند، دربرخی ازکشورهای مسلمان برای بزرگداشت ازشهدا شمع روشن میکنند (افغانستان بمناسبت کشته شدن ۲۱ افسرارتش آن کشور دریک عملیات تروریستی ۲۱ شمع روشن کرد)!

درآمریکا روشن کردن شمع یک عادت دیرینه است بویژه برای سالگر تولد؛ درجانی خواندم که عده ای برای رکورد گذاری شمع روی یک کیک تولد موفق شدند حدود ۵۰۰ هزار شمع بگذارند- دراسترالیا هم بمناسبت کشته شدن یک پناهجوی ایرانی مردم شمع روشن کردند.

ارجحیت دعا بر روشن کردن شمع

راستش پیام اعلیحضرت مبنی بر روشن کردن شمع برای آزادی زندانیان سیاسی مرابه تکاپوی رابطه نجات زندانیان و روشن کردن شمع ترغیب کرد ورسیدم به آنجا که هیچ سابقه ای از روشن کردن شمع با آزادی زندانی نیافتم، برعکس چند دعا یافتم که مهمترین آنها آن است که حضرت زهرا ضامن آن است.

فکرمیکنم نویسنده پیام نوروزی (آسمان ۷ طبقه) نمیدانسته که دعای آزادی زندانی وجود دارد ومقرب ایرانیان هم هست وضامن اجرانی آنهم شخص معتبری برای اهل تشیع ایران، و اگر میدانست درد سر شمع روشن کردن را بگردن پیام نمی انداخت.

روشن کردن ۷۰ میلیون شمع کارکوچکی نیست اولاً آن مقدارشمع درایران وجود ندارد – دوم قیمت شمع بازار سیاه پیدا میکند سیم اینکه به آلودگی وخفقان هوای تهران مزید میشود وخاموش کردن آنها خود مصیبت دیگری است برای هوا چهارم روشن کردن ۷۰ میلیون شمع نمیتواند ازحوادث آتش سوزی وصدما ت دیگرمصون باشد.

درحالیکه دعا هیچ گرفتاری های شمع راندارد یک متن ۴ خطی کافی است که یکنفر به نیابت زندانیان سیاسی بخواند همین وهمین! وبروایت معتبر! فرشته ای دعای خوانده شده رابه آسمان هفت طبقه (گرفته شده ازپیام نوروزی اعلیحضرت) نزد خدا میبرد وخدا اجابت کرده وفرشته دیگری را مامور رهائی زندانی میکند (مانند رهائی کروی که خدا باراک اوباما را مامورکرده که کروی وموسوی را آزاد سازد).

توسل به شمع به معنای یأس ازموفقیت درانجام کاروامیدوارشدن به اوهام است واین چنین حالتی که در

پیام نوروزی اعلیحضرت جایگزین پیامهای قبلی شده معنای خاصی دارد که **خبرازمرگ مبارزه علیه**

جمهوری اسلامی را میآورد یعنی پیام یک کسری دارد آنهم توصیه روشن کردن شمع برای مرگ مبارزه علیه جمهوری اسلامی است.

یکی از محققین نوشته که روشن کردن شمع در امامزاده ها نوعی رشوه است به امامزاده که در قبال روشن کردن فضای امامزاده، امامزاده هم نیت او را برآورده کند (من مقبره ترا روشن کردم، توهم مقبره دل مرا روشن کن - سخن روشن کننده شمع).

نمی‌توان این چنین باور فلج و غیرمنطقی را در پیام مبارزاتی جاسازی کرد و این وهم را توصیه کنیم که ایران را باروشن کردن شمع میتوان نجات داد. شمع روشن کردن نوعی جادو جمیل است نه کارسیاسی.

مبارزه تکلیف است

مبارزه برای نجات ایران یک تکلیف است. **تکلیفی که ابعاد اجرائی آنرا قانون اساسی مشروطه و سنت تاریخی سلطنت ایران مقرر کرده است.**

همان تکلیفی که اعلیحضرت در پیام های نوروزی سالهای قبل، خود را به رعایت آن متعهد ساخته بودند. مکلف اصلی و نهائی یعنی اعلیحضرت نمیتوانند آن تکالیف قانونی و سنتی را به روشن کردن شمع تعبیر سازند و در پیام خود آنقدر اصرار بر مزید شمع روشن کردن بیاورند که هدف از پیام، رفع گرفتاری و تبدیل آن به شادی با نور شمع تصور شود.

نکته آباد در پیام

در پیام اعلیحضرت اشاره ای است بسیار قابل اهمیت. میفرمایند:

«بمناسبت سال نو خانه تکانی میکنیم، آلودگی ها و زشتی ها و بدی ها را دور میریزیم و از گذشته میاموزیم»

سخن گران معنایی است، اگر اعلیحضرت واعظ غیر متعظ نباشند و خودشان را از آلودگی های سیاسی و

تجاوزهایی که به تداوم قانون اساسی و سوگند سلطنت روا داشته اند پاک سازند و از گذشته های پر افتخار

دوران سلطنت شاهان پهلوی بیاموزند. مبارکشان باد اگر تشخیص داده باشند که کوشش هایشان برای

بریدن از گذشته و محکوم کردن آن دوران چه آلودگی اخلاقی و سیاسی بزرگی است که سالها به آن اصرار داشتند.

مراسم نوروزی

در پیام نوروزی اعلیحضرت نام کشورهایی که نوروز را جشن میگیرند به تفصیل آمده است و بطور تقریب ۳۰۰ میلیون مردم کشورها به استقبال نوروز میروند ولی نکته قابل دقت این است که همه کشورها و مردم آنها بیک سبک و رسم، آیین نوروزی را بجا نمیآورند.

درمنش ایرانی رسم نوروز، با نام و عکس شاه مزین است گریشمن باستان شناس فرانسوی نوشته است در مراسم نوروزی هخامنشیان، همه چیز درخت جمشید برای بزرگداشت از نوروز فراهم میشد و بزرگان شاهنشاهی و نمایندگان کشورها درخت جمشید گرد میآمدند (در سنگ برجسته های آن زمان نمایندگان ۲۲ کشور در مراسم نوروزی کندکاری شده است).

حجشن نوروزی در دوران باستان همیشه بنام شاه افتتاح میشد و هرروز آن برای طبقه خاصی از مردم اختصاص داشت< در تمام دوران شاهنشاهی رسم مزبور برقرار بوده است.

خواجه نظام الملک طوسی مقاله ای دارد که همبسته و پیوند تاریخی نوروز رابه شاه دقیقا تشریح کرده است.

مراسم نوروزی از دربارشاه به خانواده های اشراف و سپس به طبقات مختلف مردم راه یافت، تاریخ نشان میدهد که هرگاه بمناسبتی مراسم نوروزی مسکوت میماند مردم هم به تاسی از پادشاه مراسم نوروزی نمیگرفتند و همچنین، سنت ایرانیان چنین بود که در مواقع عزای خانواده ها و یا عزای ملی، مردم رغبتی به جشن نوروزی نداشتند.

شادی و غم

شادی و یا غم، پدیده هائی انتقالی نیستند بلکه ناشی از حالتی است که سبب آن بیشتر خارج از اراده شخص، شناخته میشود.

کسی که بمناسبت ضایعه ای غم آلود است نمیتوان از او خواست که شادی کند و یا به او شادی تزریق کرد.

یک انسان کامل با انسانیت نمیتواند ملت خویش را در چنین اسارت و حشنتناک و معیشت سخت به بیند و پذیرای واکسن شادی باشد نگران استقلال تمامیت ارضی کشورش باشد ولی خودش شاد و بدیگران هم شادی ببخشد.

ایرانیان وطن پرست خارج از کشور نیمی از روح و فکرشان در ایران و نیمی سوخته و پیریشان در جسمشان در خارج از کشور است، این موجود دوتکیه چگونه میتواند شاد باشد و پذیرای شاد بودن بشود، مگر بنی آدم اعضای یکدیگر نیستند؟ چطور میتوان در ماندگی هموطنان داخل کشور به بینیم و از وضع آنها آگاه باشیم و مادر خارج از کشور صحبت از شادی و جشن و سرور کنیم.

در مصاحبه ای یک مادر داخل کشور گفت: <دو سال است نتوانستم گوشت به فرزندم بدهم> آنچه حکومت غاصب، تبهکار، دزد بر سر مردم ایران آورده و باز هم خواهد آورد چه جای نشاطی باقی گذاشته که میگوئیم:

صدسال به این سالها> نفرت براین سالها. یک خبرنگار خارجی نوشته است: <ایرانیان که زمان شاه میخندیدند حال فراموش کرده اند خنده چیست> این دوران تلخ و سیاه جشن گرفتن دارد؟

گرامی داشتن نوروز یک سنت است ولی گرامی داشتن یک سنت با جشن و شادی تفاوت دارد. تبریک و تهنیت در رابطه با موضوعی است که جدیداً تحقق یافته است مانند تولد نوزاد و یا ازدواج و امثال آنها نه ضایعه ای که برسر مردم فرو افتاده است.

شعار نوروزی ما تبریک به یکدیگر است تبریک به معنای دعا کردن به افزونی حالت خوبی است که شخص دارد، آیا واقعا آنچه که برسر ملت مامیروود جای تبریک دارد؟ و دعای اینکه این گرفتاری ها افزوده و دوام یابد یک کار انسانی است؟

درکشور ما که مهد اندوه غم است	در آن دل و جان شاد بسیار کم است
ایران چویکی خانه و جای همه است	وین خانه غم سراسری همه است
این است که عیش و نوش این خانه تمام	از بهریکی نیست برای همه است

احترام به سنت نوروزی

سنت پیوستگی بقای سلطنت و سلامتی شاه به نوروز در حدی بود که پدران ما، پاسداران استقلال و میراثهای کهن و وطن ما وقتی ایران از پادشاهی تهی بود، جشن و سرور را بر خود حرام میدانستند حکیم فردوسی ابیاتی دارد که تائید کننده سنت تاریخی و منش ما ایرانیان است:

یکی نامه سوی برادر به درد	نبشت و سخنها همه یاد کرد
که این خانه از پادشاهی تهی است	نه هنگام پیروزی و فرهی است

**

اول فروردین ماه ۱۳۹۳

نوروزتان خجسته و شاد و بهاری باد

فرارسیدن بهار، نوروز دل انگیز و این جشن شکوهمند ملی را به شما هم میهنان گرامیم و به همه ملت های جهان، شادباش می گویم .

یک ماه مانده به لحظه تحویل سال نو، از دانه های گندم و ماش « سبزه » برای سرسبزی سال نو می کاریم، خانه تکانی می کنیم، آلودگی ها، زشتی ها و بدی ها را به دور می ریزیم. آماده می شویم برای سالی دیگر و بهاری دیگر.

از گذشته ها می آموزیم تا برای سال آینده برنامه ریزی کنیم، به پیشواز بهار می رویم و به فرارسیدن سالی نو با هزاران آرزو و امید، برای آینده ای بهتر و روشن، خوش آمد، می گوییم.

«هفت» به چَم هفت سُروش گرداننده ی جهان و هفت روز هفته، هفت اقلیم و هفت دریا، **هفت طبقه آسمان** و زمین و سیارات، هفت فرشته و «هفت» نماد عشق، مهر، روشنایی و نوزایی از طبیعت را بر پارچه های ترمه قدیمی خانه، هفت سین وار در کنار هم می چینیم. به احترام گذشته ها «سپند» دود می کنیم و برای فرزندان و عزیزانمان «شمع» روشن می کنیم، باشد که نور و روشنایی بر تاریکی چیره گردد.

هنگام فرارسیدن سال نو، لحظه تحویل، مرز بین یک «پایان» و یک «آغاز»، گذر از سال گذشته و رسیدن سال نو، فالی بر «حافظ» می زنیم.

نوروز آیینی باستانی برای پیوند و تقویت همبستگی ملت ها در منطقه و جهان است.

بزرگداشت برآمدن خورشید در نخستین روز بهار را بر خُجندی و سَمرقندی، بر بخارانی و هراتی، بر کابلی و بلخی، بر بدخشانی و سمنگانی و بر همه مردم افغانستان و تاجیکستان که با سبزی از سبزه، در مراسم «سمنو پزی گروهی» به پیشواز سال نو می روند، فرخنده باد، می گویم.

نوروز بر شهروندان ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان که در هنگام نوروز، در کنار سبزه نوروزی شهر های خود را آدین می بندند، خجسته باد.

نوروز بر ملت آذربایجان و ترکیه که در کنار سبزه نوروزی با نواختن پرسروصدای سُورنا و دُهل، همگان را از رسیدن بهار باخبر می کنند، شاد باد.

نوروز بر شهروندان کشور عراق و سوریه که این آیین باستانی را در کنار سبزه نوروزی با آتش و رقص های با شکوه برپا می کنند فرخنده باد.

نوروز بر پارسیان هند، بر مردم کشمیر، بر مردم هونزا و گلگیت در شمال پاکستان، بر مردم اُرومچی، کاشغر و یارکند در غرب چین و همچنین بر شهروندان، لبنان، امارات و بحرین شادباش می گویم.

نوروز بر مردم آلبانی و کُوسوو در اروپا و همچنین بر مردم زَنزبیر در آفریقا فرخنده باد.

جشن پُوریم (Purim)، بر ملت اسرائیل و همه یهودیان جهان که برای شکرگزاری از منشور «آزادی کورش و برگرداندن یهودیان به سرزمینشان» در ایام نوروزی برگزار می کنند، خجسته می گویم.

شادباشی ویژه خدمت هم میهنانم در سراسر جهان می گویم، که با مهاجرت اجباری و یا اختیاری در بیش از صد کشور جهان، جشن های ایرانی را برپا می کنند و فرهنگ ایرانی را هر جا که باشند زنده و جاودان پاسداری می کنند.

هم میهنانم،

آنچه که در سال آینده، پیش روی داریم، تلاش بیشتر برای دستیابی به خواست های مشترکمان در راستای منافع ملت ایران می باشد.

«به یاد داشته باشیم که نوروز است و لیکن بهار برای همه نیامده است»

به دیدار خانواده های عزیز از دست رفته برویم و شمع خانه هایشان را با حضورمان روشن کنیم. یاد دلیرانی که جان خود را سخاوتمندانه فدای حفظ تمامیت میهن، راه آزادی و سربلندی ملت ایران کردند، را « جاودانه پاسداری » کنیم.

بجای «رفتن و دیدن صحنه اعدام»، جلوی «اجرای قتل یک انسان» را بگیریم.

در این روزهای بهاری و نوروزی به دیدار خانواده های زندانیان سیاسی - عقیدتی برویم، با آنها در این روزهای نوروزی همراه باشیم و به یادشان در خانه هایمان شمع بر افروزیم.

به دیدار آنها که در بستر بیماری هستند برویم و در کنار سفره نوروز در بیمارستان ها و مراکز نگهداری از افراد معلول، آنها را همراهی کنیم.

عیدی دادن به فرزندان بی خانمان و آواره در خیابان ها، تا مراکز نگهداری از کودکان بی سرپرست را فراموش نکنیم.

در آستانه این سال نو، به تمامی مبارزان آزادیخواه میهنمان درود می فرستم.

هر روزتان نوروز، نوروزتان پیروز

پاینده ایران

رضا پهلوی